

## اقتصاد اسلامی (شاخص‌های زمینه ساز در اخلاق اقتصادی) بر مبنای قرآن و نهج البلاغه

حامد فتحعلیانی<sup>۱</sup>

سید حمید حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

هیچ حرکت اقتصادی و خصوصاً اخلاق جهادگونه در منظومه معرفتی دینی نمی تواند موفق باشد مگر آنکه خواستگاه، مسیر و مقصد آن خدایی، و بر مبنای اخلاقیات باشد. با تدبر در قرآن کریم می بینیم اهمیت بحث های اخلاق اقتصادی در دین مبین اسلام به گونه ای است که خدای متعال بخش قابل توجهی از این کتاب بزرگ و انسان ساز را به بحث های مختلف کلان و گاهی ریز اقتصادی از جمله حلال، حرام، مکروه، مستحب، جمع اموال، امتحان الهی از طریق مال دنیا، خمس، زکات، خرید، فروش، اجاره و حتی نوع عملیات اقتصادی مثل شکار، صید، اماکن، زمان های حرمت صید، زراعت، غواصی، کشتیرانی، دامداری و ... اختصاص داده است.

در این راستا بنا داریم ابتدا مختصراً به معنی جهاد و اقتصاد پرداخته، سپس شاخص های مدنظر قرآن کریم و نهج البلاغه را برای تحقق اقتصاد اسلامی در یک جامعه را بررسی کرده و پس از آن بعضی از راهکارهای اخلاق اقتصادی مندرج در قرآن کریم و نهج البلاغه و همچنین نتایج و آثار حاصله از اقتصاد اسلامی را در این مقاله هرچند به قدر بضاعت کم خودمان واکاوی نماییم.

### واژگان کلیدی

اقتصاد، اسلام، اصلاح، اخلاق، اسراف، اصلاح الگوی مصرف.

۱. دانشجوی دوره‌ی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

Email: hamed.fathaliyani@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: hosseiniamidz@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

## مقدمه

از نظر قرآن کریم نهج البلاغه، دست انسان در انجام افعال اختیاری بسیار باز گذاشته شده است و بیان می‌دارد که مسیر و چگونگی، میزان، کیفیت، نتیجه و جهت حرکت در تمامی امور مادی و معنوی که اقتصاد و جهاد اقتصادی هم یکی از آنها است، با اختیار انسان انتخاب و طی می‌شود؛ لکن اگر این مسیر الهی باشد، توفیق و امداد خدا و تغییر بهینه سرنوشت توسط آن قدرت لایزال الهی رفیق راه انسان و به تبع آن جامعه انسانی می‌شود.

جهاد اقتصادی از منظر لغت با بررسی اجمالی کتب لغت عربی و فارسی می‌بینیم که کلمه جهاد از ریشه جهد به معنای پایدردی و جدیت در کار، طاقت و توان، کوشیدن، زحمت طاقت فرسا کشیدن، زحمت فراوان تحمل کردن و ... آمده است و کلمه ای همانند مجاهد هم یعنی رزمجو و مبارزی که خود را به سختی می‌افکند و به تبع آن کلمه جهاد هم به معنی مبارزه همراه با سختی، پایدردی و کوشیدن طاقت فرسا است. (ابن منظور، ۱۴۰۸)

با بررسی اجمالی کلمه اقتصاد نیز نشان می‌دهد که این کلمه از ریشه قصد و به معنی چیزی ضد افراط و تفریط در واقع به معنی میانه روی است. همچنین به معنی پس انداز، تعادل و صرفه جویی نیز می‌باشد. (لوئیس، ۱۳۶۵ و قریشی، ۱۳۶۷)

با انضمام کلمه جهاد به اقتصاد تبعاً به این معنی می‌رسیم که جهاد اقتصادی یعنی حرکتی جدی، پایدردانه و سخت کوشانه در راه پس انداز، تعادل و صرفه جویی و اگر این نگاه را با افق ملی در آمیزیم در واقع باید مفهوم یک حرکت جدی و سخت کوشانه در عرصه پس انداز، تعادل و صرفه جویی ملی در حیطه منابع و امکانات مادی و معنوی را در نظر بیاوریم. (حریری، ۱۳۷۸)

## جهاد اقتصادی از منظر قرآن و نهج البلاغه

مسئلاً جهاد اقتصادی از دو منظر کلان قابل توجه است. نخست جهاد با اموال در راه دفاع از دین که در راستای جهاد جانی و در ادامه یا قبل از آن مطرح می‌شود و آیات متعددی به این نوع جهاد اشاره دارند از عبارات معروف "تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ"

تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (صف، آیه ۱۱) که عبارت قرآن کریم است. پس در این نوع از جهاد ما از کیان اسلامی حفاظت و از تعرض به آن جلوگیری می‌کنیم. البته خدای متعال به این نوع جهاد هم با نگاه تجارتهی معنوی و اقتصادی که منجر به سعادت می‌شود یاد کرده و بیان می‌دارد که ایمان به خدا و رسول خدا و جهاد در راه خدا با مال و جان تجارتهی است که مؤمنان را نجات می‌دهد. اما نوع دیگری نیز از جهاد اقتصادی مطرح است و آن حرکت و فعالیت اقتصادی به صورت جهادگونه است که موجب رشد و توسعه اقتصادی جامعه شده باشد و همانطور که افراد در جهاد نظامی به صورتی متهورانه، دلیرانه، با انرژی بسیار زیاد و در وقت کم اقدام به حرکات سنگین و بزرگ نظامی و یا صرف مبالغ قابل توجهی از توان اقتصادی و لجستیکی خود برای پیشبرد اهداف نظامی و جهادی خود می‌کنند، در جهاد اقتصادی به معنی اخیر نیز باید افراد با یک برنامه حساب شده، عمیق، همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیر در جهت انجام عملیات و طرح‌های اقتصادی حرکت کرده و هدفگذاری آنها به گونه‌ای باشد که رشد برابری اقتصادی جامعه به شکل فزاینده و مضاعف را در پی داشته باشد. قرآن کریم در این خصوص با عبارتهی "فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا" (نساء، آیه ۹۵) خداوند جهادگران با مال و جان خویش را بر نشستگان به لحاظ درجه برتری داده است. (طبرسی، ۱۳۸۴)

### شاخص‌های زمینه‌ساز در جهاد اقتصادی

همچنانکه در مقدمه این نوشتار به بحث توحید، آثار و تبعات آن اشاره شد، جامعه به مرحله‌ی عملی جهاد اقتصادی نخواهد رسید مگر آنکه شاخصهای دینی با محوریت قرآن کریم در آن رعایت شود که مسلماً بعضی از این شاخص‌ها جنبه‌ی مقدمه‌داشته و بعضی دیگر عملاً در جهاد اقتصادی مؤثر و ایفاکننده‌ی نقش می‌باشند.

#### ۱. ایمان و رعایت تقوای الهی

قرآن کریم در یک نگاه معنوی که آثار قطعی مادی دارد، داشتن ایمان و تقوا را موجب افزایش برکات و به تبع آن رشد اقتصادی می‌داند و اتفاقاً تکذیب دین و

معارف آن را موجب عذاب الهی برمی شمرد.

و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف، آیه ۹۶) و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم، ولی آنها تکذیب کردند پس ما نیز ایشان را به سزای آنچه می کردند گرفتار ساختیم. پس انسان هوشمند که قرآن کریم را به عنوان کتابی که در آن هیچ شکی وجود ندارد قبول دارد و می داند که درنگاه توحید محور، ایمان راسخ و صحیح حتی آثار وضعی اقتصادی و جلب برکات مادی را هم در پی دارد، آن را به عنوان مقدمه ای برای جهاد اقتصادی خواهد دانست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)

## ۲. وجود اخلاق اقتصادی

در نگاه اقتصادی سالم که البته بی ارتباط به ایمان و رعایت تقوای الهی نیز نیست افراد می دانند که تجارت و اقتصاد نباید جایگزین سایر وظایف حتی اخلاقیات، انسانیت و یاد خدا شود.

رِجَالٌ لَا لِيْلِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِتَاءِ الزَّكَاةِ (نور، آیه ۳۷)  
مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات غافل نمی کند و همچنین افراد می دانند که بابت هر چیز از هر راهی و به هر شکلی نباید کسب سود و مزد نمایند و از کمفروشی و کاستن از کیفیت و کمیت کار هم باید بپرهیزند.

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ × أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ × وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ (شعراء، آیات ۱۸۲-۱۸۰) بر این رسالت اجری از شما طلب نم یکنم، اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست. پیمانانه را تمام دهید و از کمفروشان نباشید و با ترازوی درست بسنجید.

## ۳. توجه دقیق توأم با ایمان به قاعده نفی سبیل

با دقت در فضای تعلیماتی دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم می بینیم که در اسلام هرگز پسندیده نیست که کفار بر مؤمنین تسلط داشته باشند.

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء، آیه ۱۴۱) خداوند به عنوان نمونه عبارت به این دیدگاه. هرگز برای کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان قرار نداده است اشاره دارد.

آنچه مسلم است یکی از مهمترین و کاراترین راه‌های تسلط بر جوامع بشری، طریق اقتصاد است و از جهت جهاد اقتصادی باید این نگرش در بین جهادگران اقتصادی وجود داشته باشد که هرگز و به هیچ عنوان حاضر نباشند کمترین تسلط اقتصادی کفار و دشمنان را بر خود و جامعه خود بپذیرند که این روحیه از بهترین تمهیدات برای کلید خوردن جهاد اقتصادی است.

#### ۴. تعاون و همکاری سازنده

تمامی عاقلان عالم به تجربه می‌دانند که از طریق تعاون و همکاری، امور با قدرت، سرعت و کیفیت بهتری انجام میشود و چه بسا بعضی از امور بدون تعاون و همکاری اصلاً به مرحله انجام نمی‌رسند. قرآن کریم نیز بر این اصل مهم به طور مطلق اشاره کرده «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، آیه ۲) در کارهای نیک و تقوا با هم همکاری کنید و در گناه و دشمنی همکاری ننمایید.

مسلماً می‌دانیم که حرکت در جهت توسعه اقتصادی جامعه و کم شدن مشکلات اقتصادی مردم آن هم به گونه ای جهادی و سخت کوشانه از مصداق‌های قطعی همکاری در کارهای نیک و تقوا است و بحث همکاری در امور خیر به قدری مهم است که قرآن حتی توصیه به خیر، صبر و استقامت را از نشانه‌های انسان‌های با ایمان برمی‌شمرد و می‌فرماید آنها به حق و صبر یکدیگر را سفارش می‌کنند. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر، آیه ۳)

#### ۵. پرهیز از کسب درآمدهای حرام

##### الف: ربا

یکی از اصول و فاکتورهایی که باید در سطح جامعه رعایت شود تا زمینه جهاد اقتصادی فراهم شود پرهیز از ربا است. در منطق قرآن ربا موجب عدم سلامت جامعه،

دشمنی با خدا - که سر منشأ تمام قدرتها و فیضها است - و موجب سرگشتگی و بیهوشی جامعه است و مسلماً بیهوشی از عوامل مخمل به جهاد می‌باشد؛ چراکه فرد و جامعه بیهوش در امور جاری خود ناتوان است؛ چه برسد به امور جهادی و سخت‌کوشانه. قرآن انسان رباخوار را فردی بی‌شعور و جن‌زده معرفی می‌کند که دچار وسواس شیطان است و به تبع آن جامعه‌ای که دچار رباخواری شده در واقع متشکل از افرادی مست، سست‌عنصر، سودپرست و بی‌رغبت به فعالیت اقتصادی و جهاد و کوشش در این راه می‌باشد.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَتُومُونَ إِلَّا كَمَا يُتُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (بقره، آیه ۲۷۵) آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند. و این به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است. (طباطبایی، ۱۳۸۶)

### ب: تصاحب اموال دیگران از طریق نامشروع

یکی از مواردی که مخالفت جدی با جهاد اقتصادی دارد، تصاحب مال دیگران از راه غیرقانونی و نامشروع است؛ چراکه در این حالت افراد به جای جهاد و کوشش صحیح و سازنده، درصدد کسب اموال دیگران از راه خلاف شرع برآمده و در اینصورت فقط مالی از یک نفر به فرد دیگر منتقل می‌شود که اتفاقاً از نظر قرآن موجب بی‌برکتی مال گشته و اصلاً به برآیند اقتصادی جامعه چیزی اضافه نکرده و افزایش سرمایه در سطح جامعه اتفاق نمی‌یافتد. قرآن کریم در این خصوص با توجه به فراوانی احتمال وقوع این مقوله دو «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۸۸) اموال یکدیگر را به ناشایست‌مخورد و آن را به رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید. و شما خود می‌دانید.

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انعام، آیه ۱۵۲) به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح او باشد تا به سن بلوغ رسد.

طریق ناصحیح حتی نزدیک هم نشوید؛ چه رسد به آنکه بخواهید از آن سوء

استفاده بکنید. این آیه به بدی و منفور بودن رشوه هم اشاره دارد که در واقع سعی نکنیم از طرق مختلف از جمله رشوه دادن به بعضی قضات و مراجع صدور حکم صاحب اموال و حقوق دیگران بشویم.

## ۶. انفاق اموال و شکرگزاری

در منظومه معرفت دینی همچنانکه ایمان عامل افزایش روزی و بستری برای احیاء شرایط جهاد اقتصادی نامیده شده، انفاق و شکر نعمت هم باعث برکت و افزایش مال معرفی شده است. قرآن کریم در این خصوص «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، آیه ۲۶۱) مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد. خدا پاداش هر که را که بخواهد، چند برابر می‌کند. خدا گشایش‌دهنده و داناست. یعنی اگر قصد افزایش مال را هم داریم، بهتر است نسبت به آنچه داریم به درگاه خدا شکرگزار بوده و بخشی از آن را در راه خدا انفاق کنیم که بنابر عمومیت مفهوم این آیه، خداوند هفتصد برابر را مژده داده است. به علاوه آنکه در این حرکت اقتصادی پاک آثار و برکات معنوی هم به فراوانی وجود دارد که از آن جمله تزکیه و آرامش نفس (توبه، آیه ۱۵۳) و همچنین نیابت از خدای تعالی در روزی رسانی به مخلوقات (حدید، آیه ۷) را می‌توان نام برد. اما برای انفاق مال در راه خدا طرق و اشکال مختلفی مطرح شده که تناسب با بحث جهاد اقتصادی نیز دارد از جمله این انفاق‌ها می‌توان به خمس اشاره کرد.

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انعام، آیه ۴۱) و اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه به هم رسیدند نازل کرده‌ایم ایمان آورده‌اید، بدانید که هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است. و خدا به هر چیز تواناست. اشاره به نوع دیگری از انفاق است که در شرایط خاصی واجب می‌شود و باید با انجام این امر واجب قدمی در جهت رفع

محرومیت بعضی از اقشار جامعه برداشته شود و به تبع آن بستری در جهت استیفاء حقوق نیازمندان و همچنین کم شدن فاصله طبقاتی در سطح جامعه و توجه به رشد اقتصادی دیگران در این قالب گردد.

از مصادیق دیگر انفاق می توان به زکات واجب و مستحب اشاره کرد. دین مبین اسلام با تشریح قاعده زکات در بعضی امور عملاً بستر دیگری را در جهت کم شدن فاصله طبقاتی جامعه و رشد اقتصادی دیگران فراهم آورده و در آیات متعدد خواص معنوی قابل توجهی را برای زکات برمی شمرد و بیان می نماید این حرکت اقتصادی آثار مثبت معنوی از جمله تزکیه نفس، تزکیه مال، جلب یاری خدا و هدایت ویژه را در پی دارد و در بیانی بسیار امیدبخش اظهار می دارد که خداوند خود صدقات (زکات) را همانند توبه بندگان قبول می کند و ما با دادن زکات توجه خدای متعال - این منشأ لایزال قدرت - را به خود جلب «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه، آیه ۱۰۴) آیا هنوز ندانسته‌اند که خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات را می‌ستاند، و خداست که توبه‌پذیر و مهربان است؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)

#### ۷. قرض الحسنه

در مقابل ربا که یکی از مصادیق خوردن مال به باطل است - و در ضعف اقتصادی جامعه تأثیر بسیار دارد - قرض الحسنه به عنوان یکی از مفاهیم عالیه اسلامی قرار دارد و در اهمیت آن همین بس که معمولاً کتب فقهی با حدیثی که دلالت بر ۱۸ صواب برای قرض الحسنه دارد باب دین و قرض را آغاز می کنند (لمعه دمشقیه) و این در حالی است که برای انفاق ۱۰ صواب شمرده شده است.

در قرض الحسنه فرد مقروض دغدغه باز پس دادن قرض را دارد و اهمیت آن در این است که اولاً با اداء دین کرامت انسانی حفظ شده و ثانیاً فرد از حرکت و تلاش باز نمی‌ایستد تا دین خود را اداء کند و این موجب تحریک اقتصادی فرد و به تبع آن جامعه می‌شود.

اهمیت قرض دادن به خدا قرآن کریم با عبارات خاصی از جمله قرض الحسنه را



بیان داشته و آن را عامل افزایش روزی و توان اقتصادی و معنوی «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقِضُ وَ يَبْضُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره، آیه ۲۴۵) کیست که به خدا قرض الحسنه دهد، تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگدستی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز گردانده می‌شوید در جای دیگری خدای متعال قرض الحسنه را عامل بخشش گناهان و رسیدن به تجارت دیگری یعنی بهشت برین معرفی می‌کند و خلاصه با زبانی دیگر اظهار می‌دارد که اگر افراد دارا در جامعه اقتصادی در قالبی سالم و مورد تأیید دین به دیگران وام دهند و به نوعی توان اقتصادی دیگران را هرچند موقت افزایش دهند، این عمل معادل نماز و ایمان به رسولان، ارزشمند می‌باشد. چراکه نماز و سایر معارف دین در جهت کرامت انسان بوده «وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (مائده، آیه ۱۲) و به خدا قرض الحسنه بدهید، من با شمایم. بدیهیتان را می‌زدایم و شما را به بهشتهایی داخل می‌کنم که در آن نهرها روان باشد. «إِنَّ الْمَصَّدَّقِينَ وَ الْمُصَدَّقَاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید، آیه ۱۸) خدا به مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند، دو چندان پاداش می‌دهد و نیز آنها را اجری نیکوست.

## ۸. عدالت

کلمه عدل آنچنان که از کتب مختلف لغت برمی‌آید به معنی آن است که هر چیز در محل و جایگاه خودش قرار گیرد (المنجد، ۱۳۶۵)؛ این کلام با این توسعه معنایی در خصوص اقتصاد به قدری متداول است که یک محور جدی در تمامی بحثهای اجتماعی امروز و همیشه دوران، بحث عدالت اقتصادی است که دوشادوش عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. خلاصه آنکه افراد و جوامع به عدالت اجتماعی نخواهند رسید مگر آنکه عدالت اقتصادی رعایت شده باشد. از اهم مأموریت‌های حاکم اسلامی ایجاد کامل عدالت با تمامی شاخصه‌های آن از جمله شاخصه اقتصادی است؛ همانگونه که قرآن کریم از زبان رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَ أَمْرٌ لِيُغْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری، آیه ۱۵)،

امر شده ام که در میان شما به عدالت رفتار کنم مسلماً جامعه به عدالت اجتماعی و اقتصادی نخواهد رسید مگر آنکه بعضی موارد را رعایت کند که از جمله آنها عبارت است از:

### الف: عدالت در توزیع و گردش سرمایه

انحصار یا به زبان امروزی رانت خواری در جوامع از عوامل مخل دستیابی همگان به شرایط سالم کسب و کار و تولید و به تبع آن رشد اقتصادی جامعه است؛ لذا بعضی از منابع عمومی جامعه اسلامی و مالیات هایی که در سطح جامعه در نظر گرفته می شود به نوعی حول همین موضوع می چرخد. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا حَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حشر، آیه ۷) آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده، تا میان توانگران دست به دست نشود. هر چه پیامبر به شما داد بستانید، و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید. و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است. همچنین خمس و زکات واجب که قبلاً از آنها سخن به میان آمد از جمله سایر مالیات های اسلامی است که به نوعی تمامی اقشار -خصوصاً اقشار ضعیف جامعه به لحاظ اقتصادی - را از گردش مالی و اقتصادی اجتماع شریک بهره مند می سازد. از مصادیق دیگر عدالت در توزیع و گردش سرمایه، کوتاه کردن دست ناهلان از فعالیت های اقتصادی است. ناهلان اقتصادی را می توان از این منظر غیرمتخصصان و کسانی که از صلاحیت کامل سنی، عقلی و ... جهت انجام فعالیت های اقتصادی برخوردار نیستند دانست؛ قرآن کریم در این خصوص می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْشَوْهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء، آیه ۵) اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده به نادان ها مدهید. برخورد با اخلال گران اقتصادی به عنوان دشمن و محارب قرآن کریم افراد رفاه طلب و به قول امروزی مرفهین بی درد را با عنوان معرفی می کند و بیان می دارد که کار این مترفین در رفاه طلبی خود (مترف) به جایی می رسد که این تنوع طلبی

و تجم لگرایبی آنها را به هر جنایتی وامیدارد در واقع اینگونه: «وَ اتَّبِعِ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَثَرُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود، آیه ۱۱۶) و کسانی که ستم کردند و به دنبال رفاه و خوشگذرانی رفتند و اهل گناه بودند افراد مترف همان هایی هستند که به هر شکل ممکن در جهت رسیدن به اهداف رفاه طلبانه خود اقدام می کنند و به عنوان دشمن و محارب عاملی در جهت ایجاد ترمز و کاهش رشد اقتصادی و سختی کار خدمتگذاران جامعه در مسیر اقتصاد و جهاد اقتصادی هستند. در این شرایط جامعه به اقتصاد شکوفا و جهاد گونه نخواهد رسید مگر اینکه با این افراد از جمله سارقان عمده که اصطلاحاً اختلاس کنندگان نام دارند و همچنین محترکین برخوردار جدی نماید. قرآن کریم در خصوص احتکار بیان می فرماید که مؤمنان از احتکار بدورند. (انفال، آیه ۲۸) مال و اولاد عامل امتحان الهی است. (حدید، آیه ۲۰) نقصان های اقتصادی از احتکار مالی است (شوری، آیه ۲۷) مال اندوزی و احتکار موجب انحطاط اخلاقی و تربیتی است. (توبه، آیه ۳۴) فزون خواهی، احتکار و مال اندوزی کار را به جایی می رساند که افراد به جای تولید، علم اندوزی و کسب افتخارات واقعی به قدری تحت تأثیر زیاده طلبی قرار می گیرند که حتی داشتن مردگان بیشتر را هم موجب افتخار خود می دانند. «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاور، آیه ۲-۱) تفاخر به بیشتر داشتن شما را، غافل داشت تا کارتان و پایتان به گورستان رسید البته از نظر دیگری هم می توان به احتکار توجه کرد و آن کم فروشی و ضایع کردن مال مردم است. «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ × الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ × وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین، آیه ۳-۱) وای بر کم فروشان. آنان که چون از مردم کیل می ستانند آن را پُر می کنند و چون برای مردم می پیمایند یا می کشند از آن می کاهند. (طباطبایی، ۱۳۸۶)

از مصادیق بارز کمفروشی می توان به کمفروشی تخصص و مهارت اشاره کرد. در واقع در راستای تحقق جهاد اقتصادی باید افراد از تمام توان فکری، تخصصی، مادی و معنوی خود استفاده کنند تا حرکت جهاد گونه در اقتصاد شکل بگیرد و افراد در هر فن و حرف های که هستند اگر از خود، دانش و تخصص خود کم بگذارند مسلماً از مصادیق مطففین و مورد سرزنش الهی خواهند بود. خلاصه اینکه در قرآن برخورد با

اخلاق‌گراان اقتصادی و آنهایی که فضای اقتصادی جامعه را نامطلوب می‌کنند به اشکال مختلف از جمله عذاب الهی در مورد کسانی که به باغها و کشت و زرع خود تکیه داشتند یا منهدم شدن اموال برای کسانی مثل قارون که به ثروت خود می‌نازیدند و حقوق اجتماع را رعایت نمی‌کردند و یا کسانی که به دلیل جمع اموال حتی به جهاد در راه خدا نمی‌پرداختند و همین امر موجب تبعید و طرد آنها از جامعه اسلامی گردید، مطرح شده است.

### ۹. توجه به عبادت بودن کار

قرآن کریم به حرکت در راه خدا بسیار اهمیت داده و در واقع نفس حرکت را مهمتر از شکل آن دانسته است تا آنجا که می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت آیه ۱) کسانی را که در راه ما مجاهدت کنند، به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم، و خدا با نیکوکاران است. همچنان که این مفهوم عالی در مصرع زیر با بیانی شیرین عنوان شده است. تو پای به راه در نه و هیچ پیرس خود راه بگویدت که چون باید رفت پس هر کسی در راه خدا حرکت کند خداوند خود متکفل راهنمایی او خواهد بود و چه راهنمایی بهتر، دقیق تر و مطمئن تر از حضرت حق!

از طرفی در تعالیم بلند معصومین علیهم‌السلام کسانی که در راه طلب روزی حرکت می‌کنند مانند مجاهدان راه خدا شناخته شده. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص فرمودند: الکاد لعیاله کمجاهد فی سبیل الله، تلاشگر در راه کسب روزی برای خانواده اش همانند مجاهد در راه خداست. کسی که خواهان روزی بیشتر است تا اینکه خانواده‌اش در آرامش باشند اجر و پاداشش از کسی که در راه خداوند جهاد می‌کند بیشتر است پس کسی که در راه اقتصاد و کسب روزی حلال برای خانواده و جامعه خود حرکت کند، مسلماً از مصادیق رهروان راه خداست که هدایت او بر عهده خدای متعال خواهد بود. حال اگر این حرکت با شتاب و جهاد همراه باشد، قطعاً از سوی خدای متعال تضمین بیشتری برای آن خواهد بود. قرآن کریم در آیات متعدد به کار و تلاش اقتصادی تحت عنوان مجاهده و هجرت در راه خدا اشاره کرده و بیان می‌دارد که حرکت کشتی‌ها در دریا به امر خدا و برای بهره‌مندی انسان‌ها است (کهف، آیه ۷۹)، از

رحمت خداست که شب را مایه آرامش و روز را جهت بهره‌مندی از فضل خدا قرار داده است (قصص، آیه ۷۳)، حتماً پس از برگزاری نماز جمعه بروید و جهاد اقتصادی بکنید (جمعه، آیه ۱۰)، گناهی برای شما نیست که از فضل خدا طلب روزی کنید (بقره، آیه ۱۹۸) و اگر کسی در راه خدا از منزل خارج شود و مرگ او فرا برسد، اجر او بر خداست (نساء، آیه ۱۰۰) در قرآن کریم آمده است برای حضرت سلیمان اجنه به عنوان عمال و کارگر گماشته شده بودند تا در نزد او به امور مختلف از جمله غواصی و بنایی پردازند (انبیاء، آیه ۸۲) و در جای دیگر بیان می‌فرماید که اصلاً زمین برای این رام شده تا در آن حرکت کرده و از روزی الهی با توجه به سعی خودتان بهره‌مند شوید. (ملک، آیه ۱۵) پس جامعه‌ای که قصد حرکت در راه اقتصاد را دارد باید این آموزه قرآنی را مدنظر داشته باشد که کار و تلاش اقتصادی نوعی عبادت ممدوح و مورد سفارش اسلام بوده و هر کس به هر شکل ممکن باید در مسیر تبلیغ فرهنگ کار و تلاش اقدام نماید. (طبرسی، ۱۳۸۴)

#### ۱۰. توجه به قراردادها و معاملات

یکی دیگر از اشکال‌هایی که موجب ایجاد اختلال در سطح جوامع مختلف و در امور اقتصادی می‌شود، عدم توجه به قراردادهای اقتصادی و یا عدم توجه به مفاد این نوع قراردادها است. در بعضی مواقع افراد بدون ثبت و ضبط شرایط معامله و صرفاً با اعتماد بین دو طرف اقدام به انجام معامله کرده و این امر در بسیاری از مواقع موجب عدم شفافیت و اختلال در روال صحیح معامله و فعالیت اقتصادی می‌شود و چه بسا با ضرر و زیان اقتصادی موجب تعطیلی آن فعالیت می‌گردد. قرآن کریم در این خصوص افراد را موظف کرده تا در هنگام انجام یک فعالیت اقتصادی حتماً به عقد قرارداد و به خدمت گرفتن شهود پردازند. حال چه این رابطه اقتصادی در حیطه قرض اتفاق بیفتد و چه در خصوص حرکت دین آور دیگری باشد. (بقره، آیه ۲۸۲) از طرفی قرآن پس از توصیه به انجام عقد قرارداد، برای اهل ایمان دستور به وفای به عهد و عقد را هم صادر فرموده یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* (مائده، آیه ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمانها وفا کنید. لذا بر مبنای قرارداد، طرفین فعالیت اقتصادی می‌دانند که چگونه برنامه

ریزی کنند، چه موقعی صاحب کالا و یا صاحب مبلغ مورد نظر خواهند بود و بر آن مبنا می‌توانند سایر فعالی‌تها و برنامه‌های خود را هم هماهنگ نمایند. از طرفی با توجه به اخلاق اقتصادی که در اسلام بسیار مدنظر است، به صاحبان حق اعم از طلبکار در اثر قرض یا سایر دین‌ها سفارش شده که به طرف مقابل تا زمانی که بتواند دین خود را اداء کند فرصت داده شود و این تا هنگام گشایش، مهلتی به او دهید چرا که اگر این نوع گذشت و همکاری در فعالیت‌های اقتصادی تعطیل شود احتمال ورشکستگی بسیاری از افراد که در اثر تحولات اقتصادی، دچار فقر اقتصادی و عدم گردش مناسب پول و... شده‌اند بیشتر می‌گردد؛ یعنی همان چیزی که در غرب شاهد آن هستیم که با رکود اقتصادی و خصوصاً در صنعت ساختمان سازی بسیاری از مردم حتی خانه‌های مسکونی خود را از دست داده و بانک‌ها آنها را مصادره می‌کنند. لذا در حرکت جهادگونه اقتصادی از منظر قرآن از یک سو باید امور در قالبی کاملاً ضابطه مند با شروع و اتمام مشخص شده انجام گیرد و از دیگر سوی باید طرف‌های اقتصادی که توان مهلت دهی به طرف مقابل را دارند، او را از این مهم محروم نکنند تا از این طریق تمام ظرفی‌تهای اجتماعی به کار گرفته شده و احیاناً خیل ورشکستگان موجب تراز منفی اقتصادی جامعه نشود همچنانکه در مورد دیه مرد و زن هم که یک بحث اقتصادی و به عنوان جبران خسارات وارده بر فرد آسیب دیده مطرح شده، سفارش به تساهل با متهم نیز شده است.

#### ۱۱. پیشگیری از اسراف و مصرف‌گرایی به عنوان منشاء نابسامانی‌ها (اصلاح الگوی مصرف)

لغت اصلاح به معنی سروسامان دادن، الگو به معنی نمونه و مصرف به معنی هزینه کردن یا خرج کردن آمده است. (فرهنگ معین، ۱۳۷۱) بنابراین اصلاح الگوی مصرف عبارت است از سروسامان دادن بهینه میزان مخارج و هزینه‌ها. (عاکفی، ۱۳۸۵) از طرفی اسراف نیز به معنی تلف کردن مال، گذشتن از حد میانه و بیهوده خرج کردن است (فرهنگ معین، ۱۳۷۱) و در لغت عربی نیز به معنی خروج از تعادل و نقیض اقتصاد آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱) همچنانکه از این تعاریف معلوم است، اسراف تلف کردن اموال و در نقطه مقابل اقتصاد و به تبع آن در نقطه مقابل و از عوامل کاهش

سرعت جهاد اقتصادی است. (دهخدا، ۱۳۳۷) انسان‌های مسرف، اموال، دارایی‌ها و حتی وقت و عمر خود را در مسیری غلط و بیش از حد تلف کرده و از این سرمایه‌ها به اندازه و در محل و در جهت مناسب استفاده نمی‌کنند و با از دست دادن این اوقات، فرصت‌های مناسب در جهت استحکام بخشیدن به زیرساخت‌های لازم برای رشد اقتصادی جامعه از بین رفته و روز به روز مسیر در جهت جبران فاصله با دنیای امروزی سخت‌تر و طولانی‌تر خواهد شد. لذا در معارف دینی می‌بینیم بزرگان نصایح و احادیث بسیار ارزنده‌ای را به عنوان چراغ راه و در نقطه مقابل اسراف به جامعه انسانی هدیه کرده‌اند که از آن جمله فرمایش رسول خدا ﷺ است که می‌فرمایند: قناعت مال تمام‌نشدنی است و بهترین افراد امت من قناعت‌کنندگان بدترین آنها طمع‌کارانند. (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۱)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: از طمع خود به وسیله قناعت انتقام بگیر همچنانکه از دشمن خود با قصاص انتقام می‌گیری و کسی که به اندک قانع نشود از بسیار بهره نبرد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۵۱) قرآن کریم نیز اسراف را امری شیطانی و مسرفان را نیز برادران شیطان نامیده است (اسراء، آیه ۲۷) و شیطان را هم دشمن آشکار انسان می‌داند. (یوسف، آیه ۵) پس اسراف عملی شیطانی و در راستای خدمت به دشمن و بلکه دشمنان است و همچنین بیان می‌دارد که اسراف‌کنندگان از محبت خدا به دورند و باز هم قرآن زیاده‌روی می‌کنند که او اسرافکاران را دوست ندارد. (انعام، آیه ۱۴۱) کریم صرفاً مصرف‌گرایی را عامل نابسامانی بیان کرده و مبتلایان به این بیماری را افرادی معرفی می‌کند که دچار بطر یعنی بی‌ظرفیتی در مقابل نعمت و کوتاهی در انجام وظیفه شده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱) با توجه به آنچه که گفته شد و سیره عملی جوامع موفق امروزی، صرف بیش از حد اموال و امکانات مادی و فرصت‌های پیش‌رو، دقیقاً از عوامل تقابل با حرکت جهادگونه اقتصادی است و لذا در جهاد اقتصادی خصوصاً با نگاه دینی باید حتی المقدور با اسراف مبارزه کرده و نسبت به اصلاح الگوی مصرف اقدام نمود.

## ۱۲. استفاده بهینه از منابع موجود برای مصرف

در تمامی نظام‌های اقتصادی بحث هزینه و فایده یکی از محورهای بسیار مهم و

غیرقابل انکار است. هیچ متفکر اقتصادی وجود ندارد که در یک حرکت اقتصادی تناسب بین میزان هزینه با میزان سود را مدنظر نداشته باشد.

در حرکت های اقتصادی و تولیدی متفکران اقتصادی مسلماً بنا را بر این می گذارند که از امکانات موجود بیشترین بهره برداری را نموده و حتی المقدور برگشت سرمایه و سود را در پی داشته باشند. امکانات موجود اصلاً قابل چشم پوشی نیست هرچند که طبیعی و خدادادی بوده و برای بدست آوردن آنها زحمت بسیار زیادی تحمل نشده باشد. قرآن کریم نمون‌هایی از استفاده بهینه از منابع موجود را مطرح کرده که بعضاً همراه با نوآوری و شکوفایی هم بوده است. مثلاً در خصوص حضرت یوسف علیه السلام و داستان قحطی ۷ ساله مصر که مهمترین بحث اقتصادی آن زمان بوده می بینیم که حضرت یوسف علیه السلام اولاً از یک سری امکانات خدادادی اعم از قدرت تأویل خواب و پیشگویی خدادادی خود و خاصیتی که در غلات وجود داشته و همچنین موقعیت سیاسی ایجاد شده استفاده می کند و از این نعمت الهی به شکلی نوآورانه بهره برده و دستور انبار کردن محصولات را صادر کرده و ثانیاً نحوه انبار کردن را با عبارت تعیین می کند که باید گندم در همان غلاف خود و به صورت پوست نکنده انبار شود تا مدت ۷ سال را دوام بیاورد. قال تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ (یوسف، آیات ۴۹-۴۷)

نیز در خصوص حضرت داود علیه السلام از آنجایی که خدای متعال بیان می فرماید وَاللَّائِيهِ الْخَدِيدِ (سبأ، آیه ۱۰) آهن را برای او نرم گردانیدیم و در جای دیگر نیز آمده است: وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ (انبیاء، آیه ۸۰) و به او آموختیم تا برایتان زره بسازد. تا شما را به هنگام جنگیدن حفظ کند. معلوم می شود ایشان از توانایی های خاصی برخوردار بوده و توان گفتگو با پرندگان و حیوانات و کسب اطلاعات از آنها را داشته (نمل، آیه ۱۶) و با استفاده از توان ذوب آهن و شکل دهی آن به حالت زره برای مجاهدان راه خدا جان پناه و زره می ساخته و به هر جهت از این نعمت خدادادی و منبعی که برای ایشان جنبه طبیعی داشته استفاده بهینه می کرده تا لشکر ایمان را در مقابل



سپاه کفر یاری و تقویت نماید. از همین دست می‌توان به بحث ساخت سد در مقابل حملات یاجوج و ماجوج توسط ذی‌القرنین اشاره کرد. (کهف، آیه ۹۶)

از مصادیق بارز و شاخص دیگری که در این خصوص می‌توان نام برد حضرت سلیمان علیه السلام است. خدای متعال می‌فرماید: باد، پرندگان، اجنه ساختمان‌ساز و غواص و قدرت‌هایی از این دسته را در اختیار سلیمان قرار دادیم. از منظر ما می‌توان این قدرتها را معجزه و یا قدرتی که به صورت طبیعی و نه متعارف در اختیار حضرت سلیمان علیه السلام قرار داده بود، نامید. اما مهم اینجاست که حضرت سلیمان علیه السلام از این منابع خدادادی به بهترین وجه در جهت اهداف الهی و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه خود و حتی شکست دشمنان خدا استفاده کرد. با توجه به آنچه که گفته شد، استفاده بهینه از منابع موجود که اتفاقاً با نگاه نوآورانه همراه باشد یکی از مهمترین و مؤثرترین گام‌های جامعه در جهت جهاد اقتصادی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰) پس با الگوگیری از آموزه‌های قرآن کریم باید از این منابع موجود به نحو احسن استفاده کرده و در مسیر جهاد اقتصادی گام برداشت که اگر چنین شود بسیاری از معضلات کم‌شده و زمینه‌های فراوانی در جهت ایجاد مشاغل مفید و پر بازده ایجاد خواهد شد.

### اقتصاد مقاومتی

تعریف کامل و جامع از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصاد که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌ها شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» به عبارتی مقاومت در برابر تمام برنامه‌ها و تحریم‌های دشمن و همچنین مقاومت در برابر الگوهای نادرست اقتصادی در جامعه و ارائه‌ی راهکارها و پیشنهادهای مطلوب در جهت رشد و شکوفایی و استقلال اقتصادی کشور است. اقتصاد مقاومتی یعنی شناخت هرچه بیشتر حوزه‌های فشار و تقابل با اقتصاد منفعل مصرف‌کننده بودن و نیز ترغیب افراد جامعه به مشارکت هرچه بیشتر در فعالیت‌های اقتصاد در جهت پیشبرد اهداف توسعه و پیشرفت کشور و عدم وابستگی به سایر کشورهای پیشرفته‌ی جهان می‌باشد. امام علی علیه السلام در فرازی از خطبه‌ی ۱۲۲ می‌فرماید: «هرگاه احساس کنیم چیزی باعث جمع پراکنده‌ی ما می‌شود و به وسیله

آن به هم نزدیک می‌گردیم و باقی مانده پیوندها در میان خود را محکم می‌سازیم، به آن علاقه نشان می‌دهیم.»

حال در جامعه کنونی و با وجود تمام مشکلات و تحریم‌های اقتصادی از جانب دشمنان همه‌ی افراد یک جامعه به ویژه در رأس آن دولتمردان باید تمام آرا و افکار خود را در گوشه‌ای نهاده و با تمام اختلاف‌های عقیدتی، علمی و مدیریتی در زمینه‌ی بحران‌های اقتصادی کشور و پیشبرد اهداف اقتصادی نظام اسلامی، وحدت وجودی پیدا کرده و با اتکاب مقاومت و عزت نفس و نیروهای جوان کشور به حل مشکلات و بحران‌ها بپردازند.

از طرفی چنین مقاومتی چه بسا موجب تعالی و خلاقیت انسان می‌شود و بی‌شک در مقوله‌ی اقتصادی منجر به مصرف و بهره‌وری صحیح منابع اقتصادی کشور و مدیریت و کنترل صحیح آن‌ها می‌شود.

در تفسیر قناعت تعبیرات مختلفی در منابع لغت و سخن بزرگان آمده است که تضادی باهم ندارند. بعضی قناعت را به معنای رضایت به آنچه خدا به انسان داده تفسیر کرده‌اند و برخی به راضی بودن به کمتر از نیازها و عده‌ای رضایت به حداقل زندگی و گاه گفته‌اند قناعت آن است که انسان در برابر آنچه خدا به او داده است خشنود باشد و بیش از آن را طلب نکند و این همان حقیقتی است که بسیاری از بارها از دوش انسان بر می‌دارد (پیام امام، مکارم، ج ۱۳، ص ۷۵۳) در کلام امیرالمؤمنین آمده است «القناعه مأل لا ینفد» (دشتی، ۱، ح ۵۷) «قناعت مالی است که هرگز تمام نمی‌شود» در تعریف جامعی از قناعت می‌توان گفت: حالتی است که انسان با داشتن حداقل ضروریات زندگی می‌سازد و به دنبال زرق و برق و اضافاتی که فکر و وقت انسان را پیوسته به خود مشغول می‌دارد و آلوده‌ی انواع محرمات می‌کند نمی‌رود. داشتن این روحیه به منزلت ثروت پایان‌ناپذیر است؛ چرا که انسان را از تمام ثروت‌های دنیا بی‌نیاز می‌سازد.

### آرامش روان

یکی از دغدغه‌های امروز بشر در رویارویی با مشکلات اقتصادی رسیدن به آرامش و آسایش است. در جهان مادی گروهی در اثر فقر و تنگدستی و عده‌ای با مال‌اندوزی و

حرض و طمع بی رویه از این نعمت الهی به بهره مانده اند.

امام در حکمت ۲۷۳ می‌فرماید:

می‌خواهد حریصان دنیا را از حرض باز دارد و به کفاف و عفاف قانع سازد و از مسابقه گناه آلودی که برای به چنگ آوردن اموال بیشتر در میان گروهی از دنیا پرستان رایج است جلوگیری کند. از این منظر افراد حریض پیوسته در زحمتند و روحشان در عذاب و جسمشان خسته و ناتوان است (مکارم، ۱، ص ۲۹۷) به عبارتی تعبیر امام مبنی بر عدم تلاش و کوشش و جهد نمی‌باشد؛ بلکه همواره خداوند برترین پاداش‌ها را در کار و کوشش و کسب رزق حلال قرار داده است. اما اگر انسان به این نکته مهم توجه داشته باشد که روزی بندگان در نزد خداوند محفوظ و مقدر است دیگر برای کسب مال و ثروت، بیش از حد توان و مخارج زندگی اش خود را به زحمت نمی‌اندازد و این خود سبب می‌شود در زندگی به آرامش و آسایش بیشتری رسیده و گام‌های مؤثرتری بردارد که تنها جنبه‌ی ماده نداشته و سبب رشد و پیشرفت معنوی وی شود.

### نتیجه‌گیری

جهاد از الفاظ بسیار با شکوه و تقدس است که در ذهن انسان شهادت و جانبازی در راه آرمان مقدس اسلام را تداعی می‌کند و انسان را به یاد بزرگانی می‌اندازد که سخت‌کوشانه در راه ترویج دین حرکت کرده و در این راه تمام سرمایه خود یعنی جان گرامی خویش را در طبق اخلاص گذاشته و از آن نیز مضایغه ننموده‌اند و از دیگر سوی اقتصاد از الفاظ است که معنای متعارف پول، ثروت و توان مالی و مادی را به ذهن متبادر می‌کند، حال وقتی جهاد اقتصادی مطرح می‌شود به نظر می‌رسد که باید امری بسیار شریف، پاک و خودجوش همراه با کوششی بسیار زیاد در مسیر تولید ثروت و توان مالی و مادی انجام پذیرد. لذا باید به منابع اصیل و مورد تأیید مراجعه کرد تا با الگوپذیری از آنها بتوان این حرکت عظیم را به سر منزل مقصود رهنمون شد.

قرآن کریم به عنوان مرجع تمام مراجع و قول فصل دین مبین اسلام انسان‌ها را به حرکتی مضاعف همراه با رعایت پارهای نکات اخلاقی، دینی، انگیزشی و مادی دعوت می‌کند و بیان می‌دارد. جامعه عملاً به جهاد اقتصادی نائل نخواهد شد مگر آنکه این

نکات و دستورات دقیقاً و مو به مو اجرا گردد که ابتدای آن از توحید خدا آغاز و انتهای آن نیز به توحید حق تعالی ختم می‌شود. قرآن کریم اصلاً و ابداً نقش تکنیک و راه اندازی صنایع را منکر نشده و اتفاقاً به فراخور حال و با توجه به مورد، بعضی از صنایع را هم مورد اشاره قرار داده که به هر جهت نقش علم روز، تجربه و تکنیک هم از موارد غیرقابل انکار در قرآن کریم و همچنین سیره و عرف عقلای عالم است.

با جهاد اقتصادی باید ارزش اجتماعی جامعه با عنوان یک کل احیاء شده و ارزش تک تک افراد جامعه نیز حفظ و بلکه ارتقاء یابد چراکه در واقع از هر دری که فقر وارد شود ایمان از در دیگر خارج می‌گردد. جهاد اقتصادی در واقع، دستیابی به کرامت انسانی از طریق ریشه کنی فقر و استضعاف مالی، جلوگیری از کاستی‌های اقتصادی، جلوگیری از انحطاط اخلاقی جامعه در نتیجه مال‌اندوزی زیاد و تکاثر و تهییج افراد برای اهتمام به امور دیگران را مدنظر قرار داده و متعرض این غفلت احتمالی شده که فکر نکنیم حرکت پرشتاب در مسیر اقتصاد موجب تباهی، سوداگری و در نقطه مقابل تعالی انسانی و اسلامی است. پس جهاد اقتصادی باید در جهت کرامت و تعالی انسانی و مهمترین شاخصه آن یعنی عدالت حرکت نماید. مسلماً ما نیز که در انتظار سید اوصیاء و آخرین ذخیره الهی هستیم، با جهاد اقتصادی خود که در مسیر تعالیم عالیه قرآن کریم است، باید به سهم خود شرایطی را ایجاد کنیم که در زمان ظهور دولت یار؛ آن یار سفر کرده با بهترین شرایط مواجه بوده و اقدام به ایجاد عدل و قسط فرماید و ضمن احیای کرامت انسان، ابواب رحمت الهی به سوی انسان زمینی باز گردد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی مکارم شیرازی.
۲. نهج‌البلاغه، (۱۳۵۱)، ترجمه‌ی علینقی فیض‌الاسلام، تهران، انتشارات بینا.
۳. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، (۱۴۰۸)، لسان‌العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴. حریری، محمدیوسف، (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم، انتشارات هجرت.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ سیروس.
۶. راغب اصفهانی، ابی‌القاسم حسین بن محمد، (۱۳۸۱)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مکتبه‌المرتضویه.
۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم.
۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۸۴)، مجمع‌البیان، تهران، چاپ اسلامیة.
۹. عاکفی، اسماعیل، (۱۳۸۵)، اصلاح‌الگوی مصرف، بی‌جا، بی‌نا.
۱۰. قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۶۷)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. معلوف، لوئیس، (۱۳۶۵)، المنجد فی اللغة، تهران، انتشارات اسماعیلیان.
۱۲. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، قم، انتشارات نسل جوان.